

چکیده

امام از بزرگترین پایه‌گزاران بیداری اسلامی در جهان است که خود به طور مستقل انقلابی عظیم در کشور ایران به وجود آوردند و به ملت ایران بیداری و هوشیاری آموختند. اکنون بعد از سالها کشورهای عربی و اسلامی با الگو گرفتن از ابعاد فکری و انقلابی حضرت امام در قیام علیه ستمگران به پا خاستند و جنبشهای اسلامی را به وجود آوردند. باتوجه به این که بیداری اسلامی و هوشیاری امتهای اسلامی در فرهنگ دینی و باورهای اعتقادی حضرت امام جایگاه ویژه‌ای دارد، در این مقاله کوشیده‌ایم علاوه بر آشنایی با بیداری و مفاهیم آن، شاخصه‌های بیداری اسلامی و راهکارهای گسترش آن و هم‌چنین موانع آن را از دیدگاه امام راحل بررسی و تحلیل کنیم.

کلیدواژگان

امام خمینی؛ بیداری اسلامی؛ انقلاب اسلامی ایران؛ کشورهای عربی

اصل مقاله

انقلاب ایران آغاز یک حرکت و تحول در سطح جهان و مخصوصاً کشورهای اسلامی عربی است تا ضمن بر انداختن حاکمیت‌های ظالمانه بشری، اسلام را به عنوان مترقی‌ترین مکتب، جایگزین مکاتب بشری و مادی نماید. این همان نقطه‌ی اساسی و بنیادینی است که رسول اکرم(ص) برای آن مبعوث و قرآن کریم برای آن نازل شد و دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی برای تحقق آن مطرح گردید(ورعی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۷۱). و می‌توان با قاطعیت گفت که موضوع بیداری اسلامی پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام دارد. خداوند متعال در چندین آیه لزوم هوشیاری مسلمین در برابر مکر و حيله دشمنان را گوشزد می‌نماید و راههای مقابله با این توطئه‌ها را نشان می‌دهد. امام علی(ع) هم در نهج‌البلاغه مبانی دشمن‌شناسی را آموزش داده و ضربه خوردن مسلمانان از کید دشمن را ناشی از غفلت می‌داند و کسانی را که در مقابل بیگانگان و تعرضات آنان سکوت می‌کنند را مستوجب عذاب معرفی می‌نمایند. در قرن حاضر هم رهبران بزرگی چون امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری(مدظله العالی)، شهید مطهری، سید قطب و دیگر شخصیت‌های برجسته جهان اسلام به این موضوع پرداخته‌اند. به گفته امام خمینی «در صد سال اخیر حوادثی اتفاق افتاده است که هرکدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیری داشته است. انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... اهمیت فراوان دارد»(صحیفه نور،

۱۹/۱۰/۵۷) و همین جنبشها و قیامهای مردمی، زمینه‌ساز انقلابی عظیم در ایران شد. و نکته مهم این است که انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر مبانی اسلامی و رهبری عالمانه‌ی حضرت امام توانست عناصر بیگانه را از کشور بیرون و حکومتی اسلامی بر مبنای ارزشهای دینی را پایه‌گذاری کند. علاوه بر این، بیداری اسلامی که اکنون در کشورهای اسلامی و شمال آفریقا، مصر، لیبی، و غیره اتفاق افتاده است یکی از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که حضرت امام با عنوان صدور انقلاب مطرح کرده‌است.

الف) چیستی بیداری اسلامی

«بیداری» در فارسی، مترادف واژه‌های «الصحوه»، «الوعی»، «یقظه» در زبان عربی است. و بیداری اسلامی جریانی است که در کشور های اسلامی، شکل گرفته است و نوعی هم‌پوشانی یا ترابط مفهومی با مقوله‌های مانند اصلاح دینی، احیای دینی، اسلامی‌گرایی و مانند آن دارد و در زبان عربی معاصر نیز، با تعبیر گوناگونی مانند الصحوة الاسلامیه، البعث‌الاسلامی، التیار‌الاسلامی، الحركة الاسلامیه و سرانجام الیقظة‌الاسلامی و یا در پیوند با برخی از این مفاهیم از آن یاد شده است» (بیداری اسلامی، چشم انداز آینده و هدایت آن (مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۲۱۷) اما واژه بیداری اسلامی با رویکرد جامعه‌شناختی را می‌توان نوعی باور تعمیم یافته دانست که تقریباً در همه‌ی جوامع، گروههای مسلمان و حتی آحاد مسلمانان یافت می‌شود» (همان، ص ۲۱۸).

بیداری ملتها و به ویژه بیداری کشورهای عربی مفهوم تازه و مدرنی از انقلاب را به ذهن می‌آورد و طیف وسیعی از مخاطبان را در برمی‌گیرد. با توجه به این که واژه بیداری در قالب مفاهیم و الگوهای گوناگونی معنا می‌شود در اینجا به طور اجمالی به گونه‌های بیداری اشاره می‌شود:

۱- مبارزه با استبداد داخلی

بسیاری از کشورهای اسلامی در مقطعی از تاریخ معاصر خود با ظلم و ستم حاکمان داخلی روبه‌رو شدند. و مسلم است که این شیوه حاکمیت، به دیکتاتوری منجر می‌شود و هر نوع ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز، غارت‌گری، تبعیض نژادی، بوجود آوردن اختلافات طبقاتی و... را برای خود محفوظ می‌دانند. نهضت مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ایران است که تلاش ایرانیان در مبارزه با استبداد و ایجاد حکومتی مردمی و مشروطه و کاهش حوزه اقتدار شاهان مستبد را نمودار ساخت (موسوی، ۱۳۹۰ش، ص ۲).

۲- مبارزه با استعمار خارجی

مهم‌ترین جلوه بیداری اسلامی در مبارزه با قدرتهای بیگانه و استعماری جلوه‌گر می‌شود. زیرا اکثر

کشورهای

اسلامی به صورت مستعمره و یا نیمه مستعمره بوده-اند(همان). ملی شدن صنعت نفت و نهضت تنباکو در ایران از مظاهر بیداری اسلامی در مسیر مبارزه با استعمار خارجی است(بیداری اسلامی؛ چشم-انداز آینده و هدایت آن، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۴۷۰).

۳- بیداری سیاسی

ضرورت بیداری سیاسی با توجه به جایگاه و نقش حاکمیت دولتها در جهان بسیار مهم و حیاتی است، زیرا سیاست گزاره-ای است که حتی در زاویه-های خلوت زندگی فردی و خصوصی انسان دخالت دارد، چنانچه سیاست از پشتوانه فکری و علمی سالم و مثبت برخوردار باشد، می‌تواند انسان را در مسیر تکامل هدایت کند، و اگر پشتوانه منفی و ناسالم داشته باشد خسارتهای جبران-ناپذیر را بر زندگی انسان وارد خواهد ساخت. با توجه به نیروی عقل و آزادی که خداوند در وجود انسان نهاده است، امکان مدیریت، انتخاب و حق تعیین سرنوشت برای انسان محفوظ است، اما بیداری، هوشیاری، بصیرت و آگاهی سیاسی لازمه ذاتی و لاینفک انتخاب و مدیریت سالم و راهگشا است.

(ب) بیداری، هدف بزرگ امام خمینی(ره)

معرفی اسلام به عنوان دینی جامع، کامل و الهی به جهانیان و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر از اهداف بلند امام خمینی بود. ایشان در این زمینه می-فرماید: «ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشم-داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلامی برای ملت‌های دربند نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ص ۱۱۸).

الگو قرار گرفتن انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی و تلاش مسلمانان در راه نزدیک شدن به ارزشها و قوانین اسلامی و حرکت در مسیر تشکیل حکومت اسلامی همان بیداری اسلامی است که امام خمینی(ره) در راه تحقق آن گام برداشته و همه کشورهای جهان را به قیام علیه حاکمان ستمگر می-خواند و از آنها می-خواهد از انقلاب اسلامی ایران الگو برداری کنند تا از زیر بار ظلم و ستم رها شوند: «ای مسلمانان در همه‌ی بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! و ای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، هم-چون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه‌ی ستمکاران غرب و شرق زنید و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفت‌خوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید؛ و هم-چون

سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه‌ی توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (همان، ج ۱۹، ص ۲۹۰).

قطعاً وقوع انقلاب اسلامی ایران و سیاست خارجی خاص جمهوری اسلامی ایران فضای خاصی را برای تقویت نهضت‌های اسلامی در منطقه به وجود آورد. پیام آزادی خواهی، حکومت مردمی و مبارزه با حکومت‌های مستبد تحت حمایت غرب، در اوایل دهه هشتاد جنب و جوش خارق‌العاده^۱ ای در میان مسلمانان، به ویژه در مصر، عراق، پاکستان، لبنان و آسیای مرکزی ایجاد کرد (ر.ک: پاشاپور، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۸-۱۹). همچنان که امام (ره) امت‌های مسلمان را در به پا خاستن علیه ظلم و ستم تشویق می‌کند و می‌فرماید: «امروز تمام دولتها و بسیاری از ملت‌های مسلمان می‌دانند که ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم‌پیشه و ستمکاران حرفه‌ای که اسلام عزیز را وسیله‌ی غارتگری و چپاول برای خود و قدرتهای بزرگ و اخیراً آمریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می‌دیدند بپا خاستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام را جایگزین رژیم غیر اسلامی و غیر قانونی شاهنشاهی نمودند و دست ابرقدرتها و خصوصاً آمریکای جهان^۲ خوار را از سلطه‌ی بر اموال و انفس خود قطع نمودند و امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خونخواران و ستمکاران، از این انقلاب اسلامی بهره‌برداری کنند و دولتهای اسلامی با پشتیبانی ملت‌های خود به انقلاب بزرگ ایران بپیوندند» (پیام امام به حجاج، در شهریور ۱۳۶۰).

(ج) معرفی نهضت امام خمینی (ره)

نهضت امام خمینی اوج گرایش اصول^۳‌گرایی اسلامی است که دیگر جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان تحت تأثیر موفقیت ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی توانا شدند. «ژاک برک» در تحلیلی که از اصول^۴‌گرایی اسلامی دارد، ناتوانی کشور های اسلامی را در ارائه مدل‌های متناسب با عصر تکنیک و تمدن در قرن بیستم، زمینه^۵ ساز افراطی شدن آنها می^۶‌داند. وی مهم^۷‌ترین علت درونی را توقف اجتهاد و سرکوب حرکت‌های اصلاحی به نام مبارزه با بدعت می^۸‌داند» (شریعتی، ۱۳۸۱ ش، ص ۸).

تفکر و طرح امام خمینی در واقع تلفیقی از هویت و توسعه بود. در حالی که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سید جمال، به دنبال توسعه و تجدد بودند و برخی هم به صورت کم^۹‌رنگی بر هویت تأکید می^{۱۰}‌کردند. امام خمینی همان^{۱۱} گونه که به دنبال احیای هویت اسلامی بودند، توسعه نیز در گفتمان وی از جایگاه ویژه^{۱۲}‌ای برخوردار بود، توسعه^{۱۳}‌ای که در چارچوب هویت اسلامی تعریف می^{۱۴}‌شد. نظریه سیاسی امام منحصرأ در قالب

و شکل اسلامی مطرح می‌شد و همین امر موقعیت و ویژگی ممتازی به امام خمینی در جنبش اسلام‌گرایی در جهان اسلام می‌دهد (بابی سعید، ۱۹۷۶م، ص ۱۰۹-۱۰۵).

دکتر شقاقی در بخشی از کتاب «امام خمینی راه‌حل جدید جهان اسلام»، امام را این‌گونه معرفی می‌کند: «امام خمینی مظهر جریان نو بود که اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی مطرح می‌کرد تا از طریق برپایی حکومت اسلامی، همه ابعاد زندگی و مشکلات آن را حل و فصل نماید». آن‌گاه که روشنفکران و مبارزین برای تداوم کار خود و توجیه پیروان خویش به ناسیونالیسم و مکاتب فکری چپ‌گرایانه روی می‌آوردند، انقلاب اسلامی را نمونه‌ای جدید از تمدن بشری دانسته که پایان کار اندیشه‌های لائیک و همه دیگر انواع اندیشه‌هایی را که می‌خواستند جایگزین اسلام شوند اعلام کرد» (شقاقی، ۱۹۷۹م، ص ۳۷).

حضرت امام خمینی (ره) معلم بزرگ بیداری اسلامی بود که در طول دوران مبارزه و رهبری با بیان سخنان و رهنمودها و مواضع خود زمینه‌های رابطه را در میان ملت‌های مستضعف و مسلمان فراهم آورد. و با نگاهی همه جانبه نظریه بیداری اسلامی را تبیین کرد و به ابعاد گوناگون آن پرداخت. ایشان شاخصه‌های بیداری اسلامی و موانع آن را آموزش دادند که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

(د) الزامات تحقق بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره)

۱- آگاهی و انسجام ملت

ضرورت بیداری ملت‌ها از جمله مباحثی بود که حضرت امام (ره) برای شروع مبارزه آن را شرط لازم برشمرده و معتقد است: «باید با ملت‌ها در میان گذاشت؛ همان‌طوری که در ایران، ملت ایران بود که فاجعه‌ای که برای اسلام به دست آمریکا و سرسپردگان او که رژیم منحوس پهلوی است پیش می‌آمد، همین جوانهای ایران بودند و همین ملت ایران بود ... و همین جوانهای بسیج و عشایر ایران بودند که با هم وظیفه فهمیدند، بیدار شدند و با هم مشت‌ها را گره کردند و با مشت، تانک‌ها را از صحنه بیرون کردند. تا ملت‌ها یک چنین بیداری پیدا نکنند و تا ملت‌ها یک هم‌چون انسجامی پیدا نکنند، باید بدانند که محکوم به حکومت‌های فاسد و محکوم به آمریکای جنایتکار و سایر ابرقدرتها هستند. با داشتن آن همه ذخایر، آن همه امکانات» (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۶، ص ۳۲۵).

۲- تکیه بر اسلام در مبارزات علیه قدرتهای شیطانی

با افزایش مشکلات مسلمین، بیشتر روشنفکران اسلامی به این نتیجه رسیدند که تنها راه مقابله با مشکلات (اعم از استبداد، استعمار و...) روی آوردن دوباره به اسلام اصیل و ناب است. و ریشه بدبختیها دوری از اسلام اصیل است (موسوی، ۱۳۹۰ش، ص ۳). و این همان نکته‌ای است که مورد تأکید امام (ره) بود، بیداری امت‌های مستضعف

و مسلمانان تحت ستم در گرو مطرح کردن اسلام - خواهی آنها است و به پیروزی اسلام اعتقاد کامل داشتند: «من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت را به خاک مذلت می‌نشانند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده‌ی خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» (همان، ج ۲۰، ص ۱۱۸).

طرح این آرمان امام، منوط به داشتن قدرت نیست، مسئله - ای که عده - ای را دچار تردید و شبهه می - کرد: گروهی گمان می - کنند که چون ما قدرت حاکم کردن اسلام و عدالت را در جهان نداریم، پس وظیفه - ای هم بر عهده نداریم غافل از آن که انبیای الهی نیز آرمانهایی را مطرح نموده - اند که امکان تحقق آن در عصر و زمانشان نبوده - است اما با بیانی روشن این شبهه را پاسخ می - دهند (ورعی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۷۹).

۳- دعوت به ایمان و وحدت اسلامی

وحدت اسلامی، تنها راه مبارزه با مستکبران، و عامل اصلی در رهایی ملت‌هاست. امام خمینی رحمه‌الله در این باره می‌گویند: «ما به خواست خدای تعالی با آن‌که بی‌ساز و برگ بودیم و ملت ما در دستش از تفنگ و آلات جنگی چیزی نبود، به واسطه‌ی قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم. و من امیدوارم که همه‌ی ملت‌های اسلامی بپاخیزند و با وحدت کلمه و با توجه به اسلام و قدرت ایمان، بر اجانب و بر کسانی که می‌خواهند این ملت‌ها را همیشه در تحت اختیار و سلطه‌ی خود داشته باشند غلبه کنند. رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوت ایمان بود. باید با قوای کفر به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبهکاران را از ممالک خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه‌ی اسلامی بود و اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرت‌ها باشد. اگر این قدرت، قدرت بزرگ الهی مُنْضَم بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد (امام خمینی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۸ و ۱۹).

۴- دشمن - شناسی و قیام همه‌جانبه در مقابل دشمنان

حضرت امام (ره) معتقد است علت اصلی نابودی و شکست ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در مقابل دولت‌های مستکبر، عدم قیام همه‌جانبه‌ی قشرهای مختلف است که همین امر باعث از بین رفتن شرافت و ارزش‌های انسانی آنان خواهد شد: «اگر امروز قشرهای مختلف ملت‌ها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن - بینان متعهد، قیام همه‌جانبه نکنند و با بیدار کردن توده‌های عظیم انسانی اسلامی به دادِ کشورها و ملت‌های تحت ستم نرسند، کشور‌هایشان بی - شک به نابودی و وابستگی همه‌جانبه‌ی بیشتر و بیشتر خواهد کشید. و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه‌ی حیات آنان را می‌مکند و شرافت و ارزش‌های انسانی آنان را به باد فنا

می‌سپارند» (همان، ج ۱۹، ص ۳۴۴).

امام خمینی (ره) دشمن‌شناسی را یک تکلیف شرعی می‌داند و همواره بر آن تأکید می‌کند (سلمان پور، ۱۳۷۸ش، ص ۳۰). یکی از ویژگیهای برجسته‌ی ایشان برخورداری از بینش عمیق نسبت به دشمن و شگردهای آن و توصیه‌ی مردم به هوشیاری در برابر توطئه‌هاست: «کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان، قدرت اسلامی خود را بیابند و از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۵، ص ۶).

۵- تقویت روحیه ایمان و مبارزه در مقابل دولتهای استعماری

امروز ایران اسلامی به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب وانگلهای منحرف را از کشور خود کوتاه و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچک‌ترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که به خواست ملت‌ها کسی نمی‌تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است شکست‌پذیر نیست (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۳۴۲).

۶- اعلام حمایت همه‌جانبه از بیداری اسلامی

با توجه به این‌که قاموس حرکت حضرت امام (ره)، انجام وظیفه در راستای فرامین الهی می‌باشد، لذا این اندیشه، محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد. حضرت امام می‌فرمایند: «از همه‌ی کشورهای زیر سلطه، برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است، قیام کنید و ابرقدرتها را از صحنه‌ی تاریخ و روزگار براندازید. من بارها گفته‌ام و هم‌اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم‌کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند» (پیام حضرت امام به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲).

۷- ناتوانی قدرتها از مقابله با ملت‌های بیدار (آشکار شدن جلوه‌های بیداری در ملت‌ها)

فریادی که از قلب مؤمن است بر همه چیز غلبه می‌کند؛ بر کاخ سفید هم غلبه می‌کند و غلبه کرده است. و موج این ایمان در سرتاسر دنیا از زیر بار این ظلم‌هایی که در طول تاریخ بر آن شده است، از زیر این بار دارد در می‌آید. همه جا نغمه‌ی این است که ظلم نه. دست توانای ملت‌ها، ابرقدرتها را به جای خودشان نشانده و می‌نشانند. ملت‌های مستضعف در هر جای جهان رو به بیداری هستند، نمی‌پذیرند امروز دیگر آن حرف‌هایی که سابق گفته

می‌شد، آن اربابهایی که می‌کردند و کشتیهایی که می‌آوردند در اطراف خلیج فارس و امثال این‌ها، یا کارهای دیگری که می‌کردند. تمام اینها کهنه شده است. دیگر پیش مردم ارزش ندارد. ملتی که بیرون آمده روز جمعه و می‌گوید که «ما برای شهادت آمدیم» آنها را از مردن نترسانید، این شهادت است. ان‌شاءالله خداوند به همه‌ی ملت، ملت‌های اسلامی، قدرت ایمان عنایت کند و قدرت ایمان ملت ما را روزافزون کند (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۲۹۰).

(و) راهکارهای گسترش بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

۱- تکیه بر ملت‌ها به جای دولتها

امام خمینی چون خط ملت‌ها را جدای از دولتها می‌دانستند معتقد بودند که باید اساس را مردم و فکر مردم قرار داد و به فکر مردم بود، نه دولتها ... (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۷۲).

۲- برگزاری کنگره‌های علمی میان علما و متفکران جهان

دعوت از علما و آزاداندیشان کشورهای مختلف یکی دیگر از راه‌های معرفی انقلاب اسلامی در جهان و خنثی کردن تبلیغات دشمن و در نتیجه بیدار نمودن ملت‌ها توسط آنان است. در دعوت از افراد چنانچه تنوع رعایت شود و معیار دعوت تنها شخصیت‌های کلیشه‌ای و کنگره‌ای نباشد و زمینه‌ی حضور جوانان روشن‌اندیش و دانشجویان و فرهنگیان را از کشورهای مختلف فراهم نمایی چه بسا که موفقیت‌مان بیشتر خواهد شد (ورعی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۹۴-۲۹۳).

۳- ارتباط متقابل کشورها

در این راستا هم می‌توانیم نیروهای معتقد و انقلابی خود را به کشورهای مختلف و ارتباط با مردم آن کشورها بفرستیم و هم از حضور خارجی‌ان در شهرهای کشورمان، به طوری که علاوه بر آشنا کردن آنان با آثار باستانی و تاریخی، برای معرفی انقلاب و مکتبمان نیز استفاده می‌کنیم. پیامبر گرامی اسلام (ص) کسانی را برای تجارت به مکه سفر می‌کردند، به اسلام فرا می‌خواند و مبانی دینی را برای آنان تبیین می‌نمودند و برخی از آنان نیز به اسلام می‌گرویدند و پس از بازگشت به شهر و دیار خود، مبلغانی برای اسلام و پیامبر بودند (آیتی و گرجی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۷۸).

۴- تبیین اسلام ناب توسط حوزه‌های علمی

امام می‌فرمایند: حوزه‌های علمی و علمای اسلام مسئول اصلی معرفی انقلاب اسلامی به جهانیان است. اگر اسلام ناب محمدی (ص) از اسلام امریکایی و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدا شناس و

مرفهین بی‌درد روشن شده بود و اگر حوزه‌های علمیه این واجب مهم سیاسی را که ممکن نیست در یک مکتب دو تفکر متضاد و رو در رو وجود داشته باشد، برای مردم تبیین نموده بودند، چه بسا این همه خسارت بر ما وارد نمی‌شد (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۲۱، ص ۸).

۵. تأثیر وزارت خارجه ایران

از مسایل مهمی که شماها مثل ماها موظف به آن هستید، این است که با عمل خودتان در آن جا با وضعیت سلوکتان با کارمندان، با وضعیت اصل سفارتخانه و وضع سفارتخانه طوری باشد و طوری بکنید که یا همین عمل به تدریج انقلاب شما صادر بشود به آن کشوری که در آن هستید ... صدور اسلام به این است که اخلاق اسلامی، آداب اسلامی، اعمال اسلامی، آنجا طوری باشد که مردم توجه به آن بکنند (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۳، ص ۲۶۱).

۶- کنگره‌ی عظیم حج

با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خودنظر همگان را جلب کرده و چهره‌ی انقلاب اسلامی را آن‌گونه که هست به نمایش ملتها بگذارند و توجه آنان را با برخوردهای برادرانه و محبت‌آمیز به انقلاب بزرگ ایران جلب نمایند و عملاً تبلیغات فاسد، مغرضانه، بوقهای تبلیغاتی را خنثی نمایند (امام خمینی، ج ۱۹، ص ۴۵).

۷- تشکیل بسیج مستضعفان در جهان

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاریهای شماسست (همان، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱، ص ۵۳).

۸- اعزام ورزشکاران

شما جوانها که به کشورهای مختلف می‌روید و جمعیت‌های زیادی به تماشای شما می‌آیند، به تماشای قدرتهای شما می‌آیند باید طوری کنید که این جمعیت‌های زیاد را دعوت کنید عملاً به اسلام، در اعمالتان، در رفتارتان، در کردارتان طوری باشید که نمونه باشید برای جمهوری اسلامی با شما به جاهای دیگر هم انشاءالله برود (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۶، ص ۶۱).

(ه) موانع بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

۱- روی آوردن به فرهنگ غربی

امام خمینی به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به فرهنگ و تمدن غرب نه مثل روشنفکران ورهبران سایر

جنبشهای اسلامی، که بر لزوم تسلیم کامل در قبال غرب تأکید می‌کردند، بوده است و نه مثل اندیشمندانی که هرگونه استفاده از ابزار و فنون غربی را رد می‌کردند، بلکه نگاه امام به غرب و فرهنگ آن به دو حوزه فرهنگی و فنی قابل تقسیم است. که درحوزه فنی و ابزاری بر لزوم استفاده از تجربیات بشری، تأکید فراوان کرده‌اند، ولی درحوزه‌ای که به هویت انسانی و اجتماعی و مبانی فکری و فرهنگی مربوط می‌شود، هرگونه تقلید از غرب و خود باختگی را عامل اساسی بدبختی جوامع شرقی و اسلامی می‌داند (موسوی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۳۶).

۲- تفرقه

از دیدگاه امام خمینی (ره) ایجاد تفرقه، سیاست استعمار است که باید با آن به مبارزه برخاست. دامن زدن به اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، تنها در جهت سیاست دشمنان اسلام است. در سایه حفظ وحدت است که می‌توان دشمنان اسلام را سرکوب نمود و به مسلمانان عزت از دست رفته خویش را بازگرداند. در این صورت دست ابر قدرتها از کشورهای اسلامی کوتاه و برقراری حکومت اسلامی محقق خواهد شد: «اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند، تا کسانی که می‌خواهند سلطه‌ای بر این دولتهای اسلامی و یا مراکز اسلامی پیدا کنند، بواسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند، نتوانند. نقشه قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که: این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مؤمنان را به نام اخوت یاد فرموده است، از هم جدا کنند و به اسم: ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس، از هم جدا، بلکه با هم دشمن کنند. و این، درست برخلاف مسیر اسلام و مسیر قرآن کریم است. تمام مسلمین با هم برادر و برابرند و هیچ یک از آنها از یکدیگر جدا نیستند. همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملیت و گروه گرایی، ملی گرایی، بین مسلمین تفرقه می‌اندازند، لشگرهای شیطان و کمک کنندگان به قدرتهای بزرگ و مخالفین قرآن کریم هستند» (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۱۲۲).

دستهای ناپاکی که به ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی می‌پردازند درصدد محدود کردن تأثیر انقلاب اسلامی و جلوگیری از گسترش آثار آن در مناطق سنی مذهب (هم بخشهای نفت خیر آن و هم کشورهای در حال نبرد با اسرائیل) بوده است» (عزالدین ابراهیم، ۱۹۸۳م، ص ۲۸).

۳- تحریف اسلام و مفاهیم دینی

با دور شدن تدریجی جوامع اسلامی از مفاهیم و آموزه‌های اصیل اسلامی و دگرگون شدن پیام اولیه عدالت خواهانه اسلام، این مکتب به آرامی دچار انحراف گشت و به خمودی گرایید. مفاهیم ارزشمندی از قبیل

عدالت، قسط، جهاد، شهادت، امر معروف و... به دلیل خطر آفرین بودن برای قدرتمداران، یا به آفت تحریف دچار گشت و یا به بوته فراموشی سپرده شد؛ و به جای آن مباحثی از قبیل تقدیر و جبر، حدوث و یا قدیم بودن قرآن سالها مهمترین موضوع تفکر دینی و اسلامی می‌گردد. توسط این گونه مباحث دغدغه‌های دینی مردم کنترل شده و محوری برای مشغول کردن اندیشمندان گردیده است. از طرف دیگر، تمایلات فرقه‌ای و عربی، ورود افکار و اندیشه‌های یونانی و فرهنگ غیراسلامی، الهام‌گیری از آموزش و جهان‌بینی غربی، آرمانهای اسلامی را به انزوا کشانید. بعدها این مسائل، موجب این پندار شد که اسلام با دوره‌ی معاصر، سنخیت ندارد. بیشتر تحصیل کرده‌ها، غافل از داشته‌ها و اندوخته‌های غنی فرهنگ اسلامی خویش، کلید توسعه و حتی نجات جامعه را در اتخاذ علوم، ارزشها و فلسفه غربی دیدند. امام در دیداری که با برخی مسئولین دارد به این نکته اشاره می‌کند که دشمنان راه نجات خود را در این دیده‌اند که یا اسلام در این کشورها نباشد و یا لااقل محتوا نداشته باشد. هرچند در بخش اول توفیقی نداشته‌اند، اما نسبت به بی‌محتوا کردن اسلام موفق بوده‌اند. (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸). «اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنیا حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند، مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند ... برای این منظور که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند ... تبلیغ کرده‌اند که اسلام دین جامعی نیست، دین زندگی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد. طرزحکومت و قوانین حکومتی نیاورده است. اسلام فقط احکام ... است، اخلاقیاتی هم دارد، اما راجع به زندگی و اداره جامعه چیزی ندارد» (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۵-۳).

۴- سران کشورهای اسلامی

«یکی از موانع در فراروی نهضت بیداری، حاکمان و سران کشورهای اسلامی است. اینان استقرار اسلام ناب را مغایر با منافع شخصی و حکومتی خود می‌پندارند، مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است. این حکومتها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند...» (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۷۸). «کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی، حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکره نیمه-جان اسلام و مسلمین دارد» (سخنرانی، ۵۸/۹/۲۶).

۵ - تحجر و جمود مقدس‌نماها

امام از مقدس‌نماها به عنوان یکی از موانع شناخت و بیداری اسلامی نام می‌برد و برای گسترش اسلام، شناخت و مبارزه با آنان را ضروری می‌داند: «...آمریکا و استکبار، در تمامی زمینه‌ها افرادی را در آستین دارند. در

حوزه‌ها و در دانشگاه‌ها، مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام، اینان با تزویرشان، از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر اینها به خدا پناه ببریم ... امروز جهان تشنه اسلام ناب محمدی است» (امام خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱، ص ۷۸). «امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام ضربه می‌زنند ... روحیه و افکار خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند...» (امام خمینی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۳).

۶ - روشنفکرانها

همان گونه که تحجر و جمود از دیدگاه امام مانع بیداری است، دلبستگی به شرق و غرب و خودباختگی در برابر آنان ملتها را از نزدیک شدن به اسلام باز می‌دارد: «امروز زمانی است که ملتها چراغ راه روشنفکرانشان می‌شوند و آنان را از خوباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات می‌دهند که امروز روز حرکت ملتهاست. (پیام امام به زائران بیت‌الله الحرام، ۵۹/۶/۲۱). اما در مواردی به روشنفکران توصیه می‌کنند، معیار روشنفکری را، پیروی از داده‌های غربی ندانند. معرفی درست اسلام را وظیفه آنان دانسته و در استمرار یک حکومت عدل برای روشنفکران نقش اساسی قائلند. و از طرف دیگر انتقادهایی از روشنفکران دارند؛ بی‌تفاوتی نسبت به اسلام، غرب‌گرایی، خودباختگی، بی‌اطلاعی از اسلام، بریدن از مردم، از جمله مسائلی است که امام به این قشر گوشزد می‌کنند.

۷ - روحانی‌نماهای وابسته

امام در عین حمایت کامل از روحانیت اصیل و متعهد، انتقادهای بسیار تندی از روحانی‌نماهای وابسته به دربار و قدرت دارند. امام ضمن ابراز تنفر از روحانیت غیرمهدب و متعهد، آنان را از ساواکی‌ها هم بدتر می‌دانند. اینها بهترین ابزاری هستند که خواسته یا ناخواسته مجری اهداف قرار می‌گیرند: «طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایانی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله وعاظ السلاطین که از سلاطین جور سیاه‌روی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند.» (سخنرانی ۱۳۶۰/۶/۱۵).

«... ما گرفتار بعضی اشخاص که دعوی اسلامی می‌کنند، بعضی‌ها که در رأس روحانیت بعضی ممالک واقع هستند ... ما را تکفیر می‌کنند ... متأسفانه در لباس مفتی هستند این کارها بر ضد اسلام و بر وفاق میل

ابرقدرت‌هاست ... اگر چنانچه وعاظ‌السلطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند، ان‌شاء‌الله پیروز خواهیم شد»
(سخنرانی ۱۳۵۹/۵/۲۰).

نتیجه

هدف اصلی نگارش این مقاله، معرفی حضرت امام به عنوان رهبر اصلی بیداری اسلامی جهان است و این که نشان دهیم؛ بیداری در سخنان حضرت امام جلوه بارز و روشنی دارد و یکی از دغدغه‌های اصلی ایشان، آگاهی بخشیدن به ملت‌های مسلمان جهان است. علاوه بر این، مطالب مهم این مقاله به صورت خلاصه عبارتند از:
۱- بیداری در قرن اخیر در قالب مفاهیم و الگوهای گوناگونی چون: مبارزه با استبداد، مبارزه با استعمار و بیداری سیاسی، معنا می‌شود.

۲- انقلاب امام خمینی، مبتنی بر جنبش اسلامی بود که بیداری همه اقشار جامعه را می‌طلبید. و همگان در آن مشارکت داشتند.

۳- معرفی اسلام به عنوان دین کامل و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر، از اهداف بلند امام (ره) بود.

۴- قطعاً حضرت امام در شکل‌گیری بیداری اسلامی و جنبش‌های انقلابی عصر حاضر نقش بسیار مهمی را ایفا کردند.

۵- نهضت امام خمینی، اوج گرایش اصول‌گرایی اسلامی است و نظریه سیاسی ایشان، منحصرأ در قالب و شکل اسلامی بیان می‌شود.

۶- تفکر امام تلفیقی از هویت و توسعه است در حالی که رهبران جنبش بیداری اسلامی پیشین مانند سید جمال و ... به دنبال توسعه و تجدد بودند.

۷- بزرگترین مشکلاتی که در قرن‌های اخیر مسلمانان با آن گرفتار بوده‌اند، استعمار خارجی و استبداد و ظلم و ستم داخلی بوده است و تنها راه نجات از آن، روی آوردن به اسلام اصیل است.

مراجع

- ۱- آیتی، محمد ابراهیم؛ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ ش.
- ۲- ابراهیم، عزالدین، مقاله شیعه و سنی؛ فریادی اسفناک و بی‌اثر، مجله الطلیعه-الاسلامیه، سال اول، ۱۹۸۳ م.
- ۳- پاشاپور، حمید، نهضت‌های اسلامی؛ بازیگران جدید نظام بین‌الملل، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه-سازان

نور، ۱۳۸۲ش.

- ۴- خمینی (ره)، روح الله، صحیفه‌ی حج (مجموعه سخنان و پیامهای امام خمینی)، جلد اول، مشعر، ۱۳۸۳ش.
- ۵- همو، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۱ش.
- ۶- همو، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴ش.
- ۷- سلمان پور، محمدجواد، مجله‌ی مصباح، تیر ۱۳۷۸ش، شماره ۳۰.
- ۸- شقاقی، امام خمینی راه‌حل جدید جهان اسلام، قاهره، دارالمختار-الاسلامی، ۱۹۷۹م.
- ۹- شریعتی، سارا، بنیادگرایی و روایتی معقول از چپ اسلامی، روزنامه ایران، شنبه ۱۳۸۱/۵/۲۶ش.
- ۱۰- موسوی، سیدمحمد، گونه-شناسی جنبشهای اسلامی در قرن بیستم، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰ش.
- ۱۱- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۵ش.
- ۱۲- ورعی، سید جواد، امام خمینی و احیای تفکر اسلامی، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸ش.
- ۱۳- بیداری اسلامی، چشم-انداز آینده و هدایت آن (مجموعه مقالات هفدمین کنفرانس بین-المللی وحدت اسلامی)، ج ۱، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ش.